

سازگاری برنامه‌های رایانه‌ای و اثر حقوقی آن

عبداله رجبی^{۱*}، سید حسین حسینی^۲

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
۲. کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰)

چکیده

از جمله موضوعات مهم در صنعت تولید برنامه رایانه‌ای، سازگاری آن با سایر برنامه‌هاست که آثار حقوقی و اقتصادی فراوان دارد. حمایت از نظام سازگاری موجب توسعه صنعت نرم‌افزار خواهد شد، اما اگر این حمایت مطلق باشد، به حقوق پدیدآورندگان برنامه‌های اصلی آسیب می‌رساند. به همین دلیل، نظام‌های حقوقی مختلف برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان برنامه‌های اصلی از یک سو، و جلوگیری از انحصار ایشان و تقویت فضای رقابتی از سوی دیگر، راهکارهای گوناگونی را مطرح می‌کنند. از جمله میان ایده و بیان تفکیک می‌کنند و آنچه را تحت حمایت نظام مالکیت فکری قرار می‌دهند، که بتوان در قالب بیان جای داد. در حقوق ایران، احکامی راجع به سازگاری در قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و آیین‌نامه قانون مزبور وجود دارد که ضمن ابهام در معنای همۀ ابعاد این امر خطیر را دربر نمی‌گیرد. اما احکام مبنایی راجع به حقوق رقابت موجود در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تا حدودی از این ابهام می‌کاهد و تکلیف ما را در شقوق مختلف سازگاری برنامه رایانه‌ای روشن می‌کند.

کلیدواژگان

برنامه رایانه‌ای، حقوق رقابت، مالکیت فکری نرم‌افزار سازگار، نرم‌افزار مکمل.

مقدمه

برنامه رایانه‌ای از جمله موضوعات حقوقی مهم عصر حاضر است. پیشرفت بشر سبب شده که این برنامه‌ها امروزه در قالب دارایی افرادی مثل پدیدآورنده و انتقال‌گیرنده و اشخاصی از این دست قرار گیرد و وجود آن در روابط اشخاص، نتایج اقتصادی فراوان داشته باشد. در نتیجه، اثر حقوقی، به‌ویژه از منظر مالکیت فکری دارد و مطالعه جنبه‌های حقوقی گوناگون آن از نیازهای کنونی جامعه است. از جمله جنبه‌های مهم برنامه رایانه‌ای، «سازگاری» آن است. البته، سازگاری مختص برنامه رایانه‌ای نیست و در علوم و فنون مختلف کاربرد دارد، از جمله مخابرات، وسایل پزشکی و راه‌آهن و جز آن. به‌طور کلی، سازگاری محصولات، ارتباط بسیاری با حقوق فکری، در همه عرصه‌های آن، به‌ویژه در زمینه مالکیت صنعتی دارد، اما از آنجا که در عرصه برنامه‌های رایانه‌ای تنوع بسیاری وجود دارد و کارکرد برنامه نیازمند تعامل با سخت‌افزار و برنامه‌های دیگر است، سازگاری نمود و عینیت بیشتری می‌یابد. به همین دلیل، نیاز به سازگاری برنامه‌های رایانه‌ای سبب ایجاد میان‌افزار^۱ شده است. بنابراین، مطالعات حقوقی موضوع از جمله نیازهای ضروری این عرصه است.

سازگار کردن هر محصول فکری با محصولات دیگر، از دو منظر اهمیت دارد: الف) تولید سازگار با محصول فکری کاربردی و مشهور، می‌تواند برای پدیدآورنده دوم، ثروت، شهرت و وضعیت حقوقی مناسب به وجود آورد؛ ب) از طرف دیگر، تولید محصول سازگاری که قواعد فنی و تجارتي محصول نخست را رعایت نکند، ممکن است به شهرت، ثروت و حقوق پدیدآورنده نخست آسیب وارد کند. برنامه‌های رایانه‌ای که باید برای رسیدن به هدف پدیدآورنده، بر روی سخت‌افزار نصب شوند و توان تعامل با سیستم عامل و سایر برنامه‌ها را داشته باشند، از سایر عرصه‌های تولیدات فکری، ابعاد حقوقی گسترده‌تری دارند و در عمل نیز موضوع بیشتر دعاوی راجع به سازگاری، که در ادامه مقاله مطرح شده است، در زمینه برنامه‌های رایانه‌ای است.

مسئله را باید از این منظر مطالعه کرد که اقدام تولیدکننده محصول سازگار مطلق است یا مقید، اگر مقید است، حدود این قید تا کجاست؟ به نظر می‌رسد باید اقدامات وی را مقید به اذن از جانب تولیدکننده نخست دانست، همان‌طور که در میان نظام‌های حقوقی، ماده ۵ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مقرر کرده است: «پدیدآوردن نرم‌افزارهای مکمل و سازگار با دیگر نرم‌افزارها با رعایت حقوق مادی نرم‌افزارهای اولیه مجاز است». حال، با توجه به اینکه سازگاری محصولات در دنیای جدید، سبب آثار حقوقی و اقتصادی فراوان است و با توجه به گستردگی روزافزون تولیدات نرم‌افزاری کشور، باید نقاط حقوقی مبهم مسئله را روشن کرد، اینکه آیا کسی می‌تواند، بی‌قید و شرط، برنامه‌ای سازگار با نرم‌افزار دیگر طراحی کند؟ آیا کسی می‌تواند از روی رابط‌های کاربری نرم‌افزار دیگر، رابط جدیدی را برای نرم‌افزار خود ایجاد کند؟ آیا بازکردن برنامه رایانه‌ای یا به اصطلاح، مهندسی معکوس برنامه برای رسیدن به هدف سازگاری مجاز است؟ آیا در اینجا صرفاً حقوق اشخاص درگیر مطرح است، یا جامعه نیز نقش دارد؟ و سرانجام اینکه، نقش دولت در تشویق یا منع سازگاری برنامه چیست و چه اثری بر تولیدات فکری دارد؟

در ادامه، سعی می‌کنیم پاسخ پرسش‌های مطرح شده را در سه قسمت بیان کنیم. در قسمت نخست، به امور موضوعی می‌پردازیم و با مفاهیم و اصطلاحات مربوط به سازگاری برنامه رایانه‌ای آشنا می‌شویم و مفاهیم مشابه را تفکیک می‌کنیم؛ در قسمت دوم، احکام و مسائل حقوقی سازگاری را بیان می‌کنیم و سرانجام، در قسمت نهایی، راه‌حل حقوق ایران را برای مسائل و دعاوی ناشی از سازگاری تشریح می‌کنیم.

مفهوم، قلمرو و مبانی سازگاری

در قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، سه اصطلاح مرتبط راجع به نرم‌افزار به کار رفته است که تعریفی برای آن‌ها وجود ندارد: نرم‌افزار سازگار، مکمل و واسط. بنابراین، پیش از هر چیز، باید مفهوم سازگاری را روشن کرده و آن را از عناوین مشابه تفکیک کنیم.

مفهوم سازگاری

از نظر لغوی، سازگاری^۱ به توضیح نیاز ندارد، البته می‌توان الفاظ «انطباق» و «هماهنگی» را معادل آن دانست. اما باید بدانیم، معنای فنی آن در اصطلاحات متخصصان فن رایانه است، به ویژه اینکه، قانون‌گذار به معنای فنی و اصطلاحی آن نظر دارد.

کتب مرجع اصطلاحات رایانه‌ای، سازگاری را چنین تعریف کرده‌اند: «سازگاری ناظر بر اجزای سیستم‌های رایانه‌ای است که توانایی کار در محیط‌های مختلف را داشته باشد. در زمینه برنامه رایانه‌ای، سازگاری زمانی حاصل می‌شود که برنامه توانایی به اشتراک گذاشتن داده‌ها و منابع را داشته باشد» (Microsoft Computer Dictionary, 2002). در اسناد حقوقی نیز می‌توان تعریف‌هایی را برای سازگاری یافت. از جمله، در بند ۱۰ مقدمه رهنمود پارلمان اروپا و شورای اتحادیه اروپا در زمینه حمایت قانونی از برنامه‌های رایانه‌ای مصوب سال ۲۰۰۹^۲ بیان شده است که: «کار برنامه رایانه‌ای برقراری ارتباط و همکاری با دیگر اجزای سیستم رایانه‌ای و نیز با کاربران است و برای رسیدن به این هدف، نیاز به ارتباط و تعامل منطقی و در صورت لزوم مادی است، تا همه عناصر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را قادر کند با سایر نرم‌افزارها و سخت‌افزارها و نیز با کاربران برنامه به هر روشی که مد نظر ایشان است، تعامل برقرار نماید.^۳ بخش‌هایی از برنامه که چنین اتصال و تعاملی را بین عناصر نرم‌افزار و سخت‌افزار ارائه می‌کند، به طور کلی، رابط^۴ یا میانجی می‌گویند و وظیفه اتصال و تعامل نیز، به طور کلی، سازگاری نامیده می‌شود. البته سازگاری می‌تواند به قابلیت تبادل اطلاعات و متقابلاً استفاده از اطلاعات مبادله شده، نیز تعریف شود». همچنین، بند ۴ قسمت

1. Interoperability

2. Directive 2009/24/EC of the European Parliament and of the Council of 23 April 2009 on the legal protection of computer programs, Official Journal of the European Union, 2010

۳. توضیح اینکه برنامه رایانه‌ای به دلیل ماهیت تعاملی خود و الگوریتم‌های به کار گرفته شده، برخلاف سایر محصولات فکری، می‌تواند با انسان تعامل برقرار کند؛ برای همین، اصطلاح لاتین (User-friendly) در این زمینه بارها به کار می‌رود.

4. Interface

(f) ماده ۱۲۰۱ قانون حق نشر^۱ هزاره دیجیتال آمریکا^۲ سازگاری را به این شرح تعریف کرده است: «قابلیت برنامه‌های رایانه‌ای برای تبادل اطلاعات و اینکه آن برنامه‌ها متقابلاً بتوانند اطلاعات مبادله شده را به کار گیرند». به نظر می‌رسد بخش اخیر در رهنمود اروپایی یادشده ناظر به این تعریف است.

در هر حال، با توجه به تعریف‌های رهنمود اروپا و قانون آمریکایی، در زمینه نرم‌افزار سه دسته رابطه سازگار را می‌توان متصور شد: ۱. رابطه نرم‌افزار با نرم‌افزار؛ ۲. رابطه نرم‌افزار با سخت‌افزار؛ ۳. رابطه نرم‌افزار با انسان. در اینجا، فقط با موضوع نخست سروکار داریم. همان‌طور که بند ۲۲ ماده ۱ لایحه حمایت از مالکیت فکری ایران^۳ نیز برنامه رایانه‌ای سازگار را برنامه‌ای دانسته است که قادر به تبادل اطلاعات با برنامه دیگر باشد.

قلمرو سازگاری

برای اینکه نرم‌افزار با نرم‌افزار، حتی سخت‌افزار دیگر و همچنین، انسان تعامل کند، به سازگاری نیاز دارد؛ این سازگاری با رابط و میانجی به وجود می‌آید (Rowland & Macdonald, 2000, p.55). در واقع، به منظور سازگار کردن برنامه‌ای با برنامه دیگر، برنامه‌نویس باید به رابط‌های برنامه اصلی دسترسی پیدا کند، به عبارت دیگر، ایجاد سازگاری ملازمه دسترسی منطقی به رابط‌های برنامه اصلی دارد (Van Rooijen, 2010, p.13). در صورتی می‌توان برنامه کاملاً سازگار با این برنامه

۱. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برای اصطلاح Copyright معادل حق نشر را پیشنهاد داده است. به نظر می‌رسد که این معادل‌سازی صحیح باشد؛ چرا که «حق مؤلف» ترجمه اصطلاح فرانسوی و نتیجه رویکرد حقوق رومی ژرمنی است و «مالکیت ادبی و هنری» نیز چندان مناسب حال برنامه رایانه‌ای نیست. بنابراین، حق نشر بهتر می‌تواند مفهوم و اجزای کپی‌رایت را در برنامه رایانه‌ای نشان دهد. با این حال، در ماده ۵ آیین‌نامه مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، حق نشر یکی از اجزای حقوق مادی پدیدآورنده شناخته شده است و ممکن است که گاهی از این واژه دو معنای متفاوت اراده شود.

2. The Digital Millennium Copyright Act of 1998

۳. لایحه یادشده در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲ به تصویب هیئت وزیران رسید و در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۶ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد.

تولید کرد که منطق برنامه نخست را بشناسیم و به الگوریتم‌های آن دسترسی داشته باشیم. این منطق در قالب مورد حمایت نیامده، بلکه در کد مبدأ بیان شده است. آنچه در برنامه‌های رایانه‌ای مورد حمایت قرار می‌گیرد، قالب برنامه (بیان) است، در حالی که رابط‌ها علی‌الاصول در قالب مورد حمایت قرار نگرفته‌اند. به نظر نویسندگان ایرانی، «به مابه‌الارتباط نرم‌افزار با نرم‌افزار دیگر، با سخت‌افزارهای مختلف و با کاربر، رابط می‌گویند» (صادقی نشاط، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸). پس، رابط بخش‌هایی از برنامه است، که برای اتصال و تعامل میان عناصر سخت‌افزار یا نرم‌افزار تعبیه شده است (Graef, 2014, p.7)، و سازگاری نسبت به رابط مفهومی عام دارد، زیرا برای آنکه میان عناصر دو نرم‌افزار سازگاری به وجود آید، باید برنامه امکان سازگاری را داشته باشد، سپس، از طریق رابط‌ها آن را به وجود آوریم.

به طور کلی، چهار نوع رابط وجود دارد: مهم‌ترین آن، «رابط برنامه‌نویسی نرم‌افزار»^۱ است که برای سازگاری برنامه با برنامه‌های دیگر به کار گرفته می‌شود (Van Rooijen, 2010, p.14).

یکی دیگر از رابط‌ها، رابط کاربری است، رابط کاربری^۲ به آن بخش از برنامه اطلاق می‌شود که با کاربر ارتباط دارد، اصولاً رابط‌های کاربری به سه دسته تقسیم می‌شوند، رابط خط فرمان^۳، رابط گزینشی^۴ و رابط گرافیکی کاربر^۵. رابط گرافیکی کاربر در حال حاضر نشان‌دهنده شناخته‌شده‌ترین و پرستفاده‌ترین ابزار تعامل کاربر و دستگاه (شامل صفحه نمایش) است و تقریباً همه فرایندهای رایانه حاصل از کاربران از طریق چنین ابزاری انجام می‌گیرد و اداره می‌شود (Closa, 2010, p.103).

دیگری رابط اطلاعاتی^۶ است که شامل بازایی و ذخیره اطلاعات در قالب خاصی^۷ است که

1. API / application programming interface
2. User interface
3. Command-line interface
4. Menu-driven interfaces
5. Graphical user interfaces
6. Data interface

۷. از جمله قالب‌های اطلاعات موجود در رایانه شامل این موارد است: Pdf, Mp3, Jpg

برنامه‌های رایانه‌ای می‌توانند آن را بنویسند و بخوانند، همچنین، رابط ارتباطی^۱ یا پروتکل ارتباطی^۲ است (Van Rooijen, 2010, p.14)؛ اینها چندان با مطالعه ما مرتبط نیست.

در دسته‌بندی برخی نویسندگان، پاره‌ای از برنامه‌ها، بدون آنکه جایگزین نرم‌افزار اولیه شود، با ضمیمه شدن به آن، کاربرد جدیدی را در نرم‌افزار ایجاد می‌کند. در چنین مواردی، برنامه ثانویه، بدون تأثیر بر عملکرد نرم‌افزار اولیه، کاربرد نویی را به آن می‌افزاید. همچنین، آن دسته از برنامه‌هایی که سرعت و قابلیت کاری نرم‌افزار دیگر را افزایش دهد، محصول سازگار است (صادقی نشاط، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). با توجه به این تحلیل، می‌توان گفت در جایی که برنامه تولیدی نقص برنامه دیگر را از بین می‌برد، یا سرعت آن را افزایش می‌دهد، یا کاربرد جدیدی را برای برنامه اولیه ایجاد می‌کند، نرم‌افزار سازگار است و در صورتی که فقط با انضمام به برنامه اصلی کارآمد باشد و در غیر آن، کاربردی نداشته باشد، می‌توان نرم‌افزار یادشده را مکمل نامید.

در ماده ۴ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، بیان شده است که: «حقوق ناشی از آن بخش نرم‌افزاری که به واسطه نرم‌افزارهای دیگر پدید می‌آید، متعلق به دارنده حقوق نرم‌افزارهای واسط نیست». می‌بینیم که در زمینه نرم‌افزارهای واسط نیز قانون ایران تعریفی بیان نکرده است، اما می‌توان گفت هرگاه برنامه واسط را به معنای رابط بگیریم (صادقی نشاط، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸)، نمی‌تواند موجب برنامه جدید باشد، بنابراین، بهتر است لفظ واسط را به معنای دیگری استعمال کنیم؛ به دیگر سخن، با توجه به بیان قانون‌گذار از نرم‌افزار واسط، به نظر می‌رسد اینها از جمله نرم‌افزارهایی است که باعث ایجاد نرم‌افزار جدید، از جمله برنامه مبتنی بر رایانه^۳ باشد، یعنی، نرم‌افزاری که توسط آن، رایانه اثر یا محصول فکری دیگری، شامل نرم‌افزار جدید را تولید می‌کند.

1. Communication interface

۲. برای نمونه POP3, HTTP, IMAP

3. Computer-aided design Software

مبنای حقوقی حمایت از سازگاری

در عرصه بحث از سازگاری، آشکارا منافع دو دسته از اشخاص متعارض است: منافع تولیدکنندگان اولیه و منافع ایجادکنندگان برنامه جدید که با برنامه اولیه سازگار است. دسته نخست که بیشتر شامل شرکت‌های فناوری است، تمایل دارند فناوری نرم‌افزارهای اختصاصی خود را استاندارد کنند و بر اکوسیستم آن کنترل داشته باشند. در واقع، مایلند بابت تجویز سازگاری از دیگران وجه دریافت کرده و انحصار ایجاد کنند. اما گروه دوم که شامل توسعه‌دهندگان فناوری سازگار و کاربران فناوری‌اند، در پی آنند که همه استانداردها، دارای رابط‌های باز و غیراختصاصی و فاقد حمایت مالکیت فکری باشند (Välimäki, 2015, p.2) و مجبور به کسب اجازه نباشند. حال، باید قاعده‌ای را مقرر کرد که هم حقوق دو طرف تعارض یادشده تأمین شود و هم منافع جامعه حمایت شود.

مبنای اصلی حمایت قانونی از سازگاری را می‌توان در اصول مالکیت فکری جست‌وجو کرد. باید از رابط کاربری «اصیل» حمایت کرد، اما به شرطی که در قالب «ایده» قرار نگیرد. در آن صورت، از طریق نظام «اسرار تجارتي» می‌توان به هدف این حمایت دست یافت.

اصالت

بدیهی است نظام حق نشر یا مالکیت ادبی و هنری با معیار اصالت،^۱ مشوق‌ها و انگیزه‌های بسیاری را برای ایجاد برنامه‌های رایانه‌ای جدید اعطا می‌کند. هرگاه نرم‌افزار جدید فاقد خلاقیت و ابتکار باشد، طبیعتاً نمی‌توان حقوقی را برای سازنده آن متصور شد. همچنین، در زمینه سازگاری، در صورتی که رابط‌های برنامه اصیل باشند، کسی حق استفاده از آن را بدون مجوز دارنده حق ندارد و در نتیجه، امکان تولید سازگار نیست.

بند ۳ ماده ۱ رهنمود اروپایی سال ۲۰۰۹ بیان می‌کند: «برنامه رایانه‌ای دارای اصالت حمایت

1. Originality

می‌شود». در کشورهای اروپایی، رویکردهای عمدتاً مشابهی دربارهٔ اصالت وجود دارد. مثلاً در کشور فرانسه خلاقیت فکری را به معنای ابراز و گسترش شخصیت می‌دانند، و از نظر برخی کشورهای کامن‌لا، مثل انگلیس، استرالیا و مالزی، اصالت نتیجهٔ عرق جبین پدیدآورنده است (Davison, 2003, p.14). به‌طور کلی، کشورهای رومی ژرمنی، برخلاف کشورهای کامن‌لا، معتقدند علاوه بر اینکه نباید از اثر شخص دیگر نسخه‌برداری شود، باید درجه‌ای از خلاقیت پدیدآورنده را نیز در بر داشته باشد.^۱ به عبارت دیگر، فقط اثر موضوع حمایت نظام مالکیت فکری نیست و پدیدآورندهٔ آن نیز مهم است. با این همه، آمریکا و برخی کشورهای دیگر تابع نظام کامن‌لا، سیر تکاملی را در جهت تعیین اثر قابل حمایت در پیش گرفتند، به طوری که در دعوی مشهوری^۲ دیوان عالی ایالات متحده آمریکا اظهار کرد اثر اصیل، برای جلب حمایت نظام حق نشر، نیازمند بروز حداقل خلاقیت است (Mylly, 2010, p.26). بنابراین، می‌توان گفت در حقوق آمریکا نظریهٔ خلاقیت فکری برای اصالت پذیرفته شده است (Davison, 2003, p.15).

حقوق ایران از نظر مبانی تابع نظام رومی-ژرمنی است. همچنین، به تبع رویهٔ جدید نظام‌های حقوقی بین‌المللی، در بند ۱۴ مادهٔ ۱ لایحهٔ حمایت مالکیت فکری، اثر اصیل اثری دانسته شده است که از خلاقیت پدیدآورنده ناشی شده و برگردان از اثر دیگری نباشد.

در زمینهٔ سازگاری، در حقوق اروپا، اصلی بر این مبنا وجود دارد که دارندهٔ حق نمی‌تواند از طریق حق نشر بر اطلاعات سازگاری کنترل داشته باشد (Välimäki, 2015, p.1). با این حال، به نظر می‌رسد هرگاه بتوان رابط‌های موجود در برنامه را اصیل دانست، به پیروی از شرط اصالت در برنامه‌های رایانه‌ای، قابلیت حمایت ناشی از حق نشر را دارد و به روی آوردن به نظام‌های حمایتی خاص نیازی نیست.

در این راه باید مراقب بود، زیرا رابط روش کار است و کمتر به بیان نزدیک است. بنابراین،

۱. برای مطالعهٔ بیشتر در زمینهٔ سه رویکرد عمدهٔ کشورهای پیشرفتهٔ جهان به اصالت، رک. Davison, 2003, pp. 14-15.
 ۲. Feist publications, Inc., v. Rural Telephone Service Co. (1991)

کاهش سطح استاندارد لازم برای اصیل تلقی کردن نرم‌افزار، خطر حمایت از مؤلفه‌های نرم‌افزاری را در پی خواهد داشت که ممکن است به اندازه کافی شایسته حمایت نباشد. بنابراین، قرارگرفتن دوگانه ایده- بیان در کنار شرط اصالت، این خطر و تهدید را مرتفع خواهد کرد (Mylly, 2010, p.33). به عبارت دیگر، در صورتی که سطح استانداردهای لازم اصالت نرم‌افزار رایانه‌ای کاهش یابد، خطر حمایت از نرم‌افزارهایی افزایش می‌یابد که به اندازه کافی شایسته حمایت نیست. اما هنگامی که شرط حمایت از بیان در کنار شرط اصالت قرار گیرد، سطح پایین استانداردهای لازم اصالت نمی‌تواند وارد حیطه نقض بیان شود و خطر نقض بیان رفع خواهد شد.

رابطه ایده و بیان با سازگاری

دوگانگی ایده و بیان در بسیاری از اسناد و دعاوی مربوط به حقوق مالکیت ادبی هنری مورد توجه قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس و ماده ۲ معاهده حق نشر سازمان جهانی مالکیت فکری برآنند که حمایت حق نشر شامل بیان و نه ایده‌ها، رویه‌ها، روش‌های اجرایی یا مفاهیم ریاضی است. همچنین، در بند ۲ ماده ۱ رهنمود اروپایی راجع به حمایت از نرم‌افزار بیان شده است: «تفکرات و اصولی که مبنای هر یک از اجزای برنامه رایانه‌ای را تشکیل دهد، از جمله تفکرات و اصول پی‌ریزی‌کننده رابطه‌ها، به موجب این رهنمود، مشمول حمایت حق نشر نخواهد بود».

در حقوق ایران نیز می‌توان اشاره‌ها، حتی تصریح‌هایی را بر این امر یافت. ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، با بیان «طریقه و روش بیان»، به‌طور ضمنی، به حمایت‌نکردن از ایده رسمیت داده است. اما تبصره ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۳، به‌ویژه در زمینه نرم‌افزارها، واجد صراحت کافی است و بیان می‌کند: «خلق عملیات نرم‌افزاری در ذهن یا بیان مخلوق ذهنی، بدون اینکه برنامه‌های رایانه‌ای و مستندات و دستورالعمل‌های آن تدوین شده باشد، نرم‌افزار محسوب نمی‌شود و برای خالق آن حقوقی ایجاد نمی‌کند».

پدیدآورنده اثر به ندرت می‌تواند مفهوم اساسی را، بدون اینکه با جزییات شکل و قالب تزئین

نمایند، در قالب اثر تولید نماید؛ پس، هرگاه این ایده‌ها بیان شود، تنها در این قالب‌ها حق نشر وجود دارد (Lloyd, 2011, p.357). رابط نیز ممکن است به صورت توصیف باشد^۱ یا در عمل تحقق یابد؛^۲ اولی برای دیگران آشکار است، اما معمولاً دومی خیر (Van Rooijen, 2010, p.15). پس، اولی در قالب حق نشر قرار می‌گیرد و دومی در قالب ایده صرف. به بیان روشن‌تر، حق نشر فقط بر اسناد توصیف اعمال می‌شود (Välimäki, 2015, p.3).

در زمینه کاربرد عملی تفکیک میان ایده و بیان و بازشناسی آن دو از هم، در ایالات متحده، دعوی متنوعی مطرح شده است. در دعوایی^۳، دادگاه تجدیدنظر میان ایده و بیان، با ارجاع به هدف برنامه تمایز قایل شد. به نظر قاضی دادگاه، هرگاه راه‌های گوناگونی برای رسیدن به مقصود خلق اثر وجود داشته باشد، که هیچ‌یک لازمه هدف نباشد، روش انتخابی، بیان اثر بوده و مشمول حمایت نظام مالکیت فکری است (Bainbridge, 2004, p.34). نتیجه اینکه، هرگاه فقط یک راه باشد، آن راه ایده است. بنابراین، از آنجا که هدف، کارایی و بازدهی است، برای هر یک از دستورات موجود در برنامه، تعداد محدودی راهکار کارآمد وجود دارد. از این رو، تولیدات مشابه نرم‌افزار توسط اشخاص مختلف به‌طور مستقل امکان‌پذیر است و نباید آن را نقض حق تلقی کرد (Mylly, 2010, pp.29-30).

در دعوایی دیگر^۴، تمایز مبتنی بر هدف نادرست شناخته شد. بدین توضیح که امکان طراحی به شکل دیگر، برای تمایز بین شیوه بروز اثر و سایر موارد، اهمیت ندارد (Bainbridge, 2004, p.35). بنابراین، نظریه تشابه ماهوی ساختار برنامه مطرح شد. در این نظریه، برنامه را تجزیه می‌کنند و با بررسی اجزای آن، ایده و بیان را تشخیص می‌دهند، در هر جزء ایده‌ها را جدا می‌کنند و آنچه باقی می‌ماند، بیان است (قاجار قیونلو، ۱۳۹۱، ص ۴۷۹). برای نمونه، در دعوای خارجی^۵

-
1. Interface specification
 2. Interface implementation
 3. Whelan Associates Inc v Jaslow Dental Laboratory Inc (1987)
 4. Lotus Development Corp v Borland International Inc (1997)
 5. Computer Associates International Inc v Altai (1992)

اعمال معیار شامل سه مرحله است: انتزاع (کشف عناصر غیرلفظی)؛ تصفیه (جداسازی بیان قابل حمایت از مواد غیرقابل حمایت) و تطبیق (آیا خواننده بخش اساسی بیان قابل حمایت را تکثیر کرده است، یا خیر). شایان ذکر است این معیار به طور عمده، قدرت حمایت از ساختار برنامه، فهرست دستورات سامانه و رابطها را کاهش می دهد (Bainbridge, 2004, pp.35-36).

سرانجام، در دعوی دیگری^۱، خواهان (شرکت اورکل) مدعی نقض حق نشر خود به علت نسخه برداری خواننده (شرکت گوگل) از رابط برنامه نویسی نرم افزار جاوا بر روی سیستم عامل اندروید شد. ابتدا، دادگاه بخش با استناد به بند «b» ماده ۱۰۲ قانون حق نشر ایالات متحده، نسخه برداری خواننده را نقض ساختار، توالی و سازمان نرم افزار جاوا ندانست و عمل شرکت گوگل را نسخه برداری از سیستم یا فرایند اجرایی سیستم عامل جاوا دانست و رأی را به نفع شرکت گوگل مبنی بر قابلیت نشر رابط برنامه نویسی نرم افزار جاوا صادر کرد، اما این رأی در سال ۲۰۱۴ به نفع شرکت اورکل توسط دادگاه فدرال نقض شد. استدلال یکی از قضات دادگاه تجدیدنظر آن بود که «مجموعه فرمانهایی که به رایانه برای اجرای عملیات مورد نظر دستور می دهد، می تواند شامل بیان شود که در آن صورت تحت حمایت حق نشر قرار خواهد گرفت»^۲. به طور کلی، آنچه در این پرونده بررسی شد، قابلیت نسخه برداری از رابطهای برنامه نویسی نرم افزارها بود. دادگاه بخش حکم به خروج رابطهای برنامه نویسی از قانون حق نشر داد و استفاده از آن را برای همگان آزاد دانست، اما دادگاه فدرال آن را نقض کرد و اقدام شرکت گوگل را نسخه برداری از بیان و نقض حق نشر تلقی کرد. در هر حال، شرکت گوگل چنین تصمیمی را برابر با آسیب به توسعه صنعت نرم افزار دانست، به طوری که رأی دادگاه فدرال ایالات متحده موجب انتقاد عده ای از حقوق دانان^۳ نیز شد. به نظر ایشان، حکم موجب عدم اطمینان در ایجاد نرم افزار سازگاری می شود که نقض حق نشر تلقی نشود.

1. Oracle America, Inc. v. Google, Inc. (2012)

2. "We conclude that a set of commands to instruct a computer to carry out desired operations may contain expression that is eligible for copyright protection".

3. Pamela Samuelson, Retrieved from <http://www.reuters.com/article/2014/05/09/us-oracle-google-ruling-idUSBREA480KQ20140509> (Visited at: 07/07/2015)

حمایت از اسرار تجارتي

مفهوم اطلاعات سازگاری مفهومی گسترده‌تر از برنامه‌های رایانه‌ای است و پروتکل‌ها، رابط‌ها و شکل فایل‌های داده‌ای را نیز پوشش می‌دهد (Graef, 2014, p.15). بر همین اساس، باید گفت نظام حاکم بر اسرار تجارتي درجه خاصی از دسترسی به اطلاعات سازگاری را پوشش می‌دهد (Graef, 2014, p.17; Välimäki, 2015, p.2). بنابراین، شاید بتوان از این طریق نیز از سازگاری برنامه‌های رایانه‌ای حمایت کرد.

با این همه، باید به این نکته توجه کرد که در زمینه شمول حمایت از اسرار تجارتي بر سازگاری برنامه‌های رایانه‌ای، شرایط لازم حمایت از اسرار تجاري وجود داشته باشد، که این شرایط شامل محرمانگی اطلاعات، ارزش تجارتي آن، تدابیر لازم جهت حفظ آن (بند ۲ ماده ۳۹ تریپس) است. به علاوه، ایجاد سازگاری زمانی می‌تواند نقض اسرار تجاري قلمداد شود که از آن اطلاعات، استفاده تجاري غیرمنصفانه شده باشد. بنابراین، اگر اطلاعات سازگاری از طریق مهندسی معکوس و به صورت قانونی به دست آمده باشد، اسرار تجاري نمی‌تواند از چنین اطلاعاتی حمایت کند و به‌طور طبیعی، نقض اسرار تجاري نیز صورت نپذیرفته است.

در حقوق ایران، فقط در مواد ۶۴ و ۷۵ قانون تجارت الکترونیکی سال ۱۳۸۲ و برخی قوانین جزائی موجود، به حمایت از اسرار تجارتي توجه شده است. اما با توجه به نبود شرایط خاص حمایتی، برخی این حمایت را در قالب اصول کلی حقوق ایران (شامل مسئولیت مدنی، غصب و حمایت جزائی و جز آن) قرار می‌دهند (قبولی درافشان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۴-۱۳۳)، و برخی، موضوع را تابع عرف جهانی که بیان شد، و نیز حمایت‌های قراردادی می‌دانند.

ضرورت حمایت از حقوق درگیر در تولید سازگار

بی‌شک، سازگاری برنامه‌های رایانه‌ای می‌تواند آثار اقتصادی و تجارتي فراوانی داشته باشد. معمولاً کسی نمی‌تواند محصول نرم‌افزاری کامل را به‌تنهایی و بدون مشارکت دیگران تولید کند. بنابراین، از نظر اقتصادی، هرگاه بتوان برنامه‌سازگار با برنامه‌دیگر ایجاد کرد، در واقع، بخشی از اعتبار برنامه قدیمی برای یافتن بازار به‌کار گرفته می‌شود. برای نمونه، هرگاه برنامه‌ای با برنامه‌های

تجارتی و مشهور یا دستگاه‌های کاربردی سازگار باشد، بی‌شک از توان تجاری بیشتری نسبت به برنامه‌هایی برخوردار خواهد شد که فاقد چنین ویژگی است (Van Rooijin, 2010, p.30; (Välimäki, 2015, p.3). شاید به همین دلیل، تولیدکنندگان عمده برنامه سعی می‌کنند از این موقعیت به سود خویش استفاده کنند و سازگاری را در انحصار خود درآورند.

از طرف دیگر، نظارت پدیدآورنده برنامه رایانه‌ای بر رابط دو اثر عمده دارد: الف) اثر مستقیم نظارت بر خود فناوری رابط؛ ب) اثر غیر مستقیم نظارت و مهار سازگاری برنامه (Van Rooijen, 2010, p.21). اثر مستقیم مراقبت بر رابط از ارزش انحصاری آن ناشی می‌شود و می‌توان آن را ارزش پیشینی^۱ یا قبل از جلب تقاضا در بازار نامید؛ که اهمیت زیادی ندارد (Van Rooijen, 2010, p.22). ارزش رابط در نقش غیرمستقیم آن نهفته است. شرکت‌ها با مراقبت از رابط‌های خود، مهار عملی سازگاری محصول خود را کسب می‌کنند. بر این اساس، دسترسی به شبکه کاربران محصول را در دست دارند و بر کارکرد محصول خود نظارت می‌کنند (Van Rooijen, 2010, p.22). در نتیجه، تحصیل ویژگی رابط برای تحصیل سازگاری ضروری است و با توجه به ارزش سازگاری، ارزش رابط اساسی است.

به همین منظور، باید جنبه‌های حقوقی سازگاری را روشن کرد و راهی پیش پای قانون‌گذار نهاد تا با تصویب قانون از حقوق افراد درگیر حمایت شود. شاید برای همین باشد که در بند ۲ ماده ۱۰۶ قانون حق نشر آمریکا، به دارندگان حق نشر، اختیار داده شده که از خریدارانی که قصد داخل کردن موضوعات دارای حق نشر در آثار اصلی خود را دارند، جلوگیری کند. در اینجا، نه فقط ایجاد نسخه بهبودیافته اثر دیگری توسط خریدار بدون اجازه نقض حق است، که هر خریداری چنین بهبودی را ایجاد کند، حمایت قانونی از اثر اصلی خود را از دست می‌دهد، به شرطی که اثر به‌طور مؤثری با مواد نقض‌شده، تجمیع شده باشد (Lemley & O'Brien, 1997, pp.291-292). با این حال، از جنبه منافع عمومی، یکی از هدف‌های مالکیت فکری تسریع توسعه فناوری و انتقال

حق فکری است، هرگاه نظام مالکیت فکری تنها اختیارات دارندگان حق را افزایش دهد و در واقع، وسیله‌ای برای تأثیرگذاری ایشان بر رفتار رقبا باشد، این هدف عمومی ابرتر می‌ماند (Välimäki, 2015, p.9)، زیرا وسیله‌ای برای سوءاستفاده از حق و زیان اجتماع خواهد بود.

در نتیجه، نباید به طور مطلق از دارندگان حق فکری برنامه‌های رایانه‌ای حمایت کرد. حمایت مطلق ناشی از حق نشر دربارهٔ رابطها، هزینه‌های ساخت برنامه‌های مرکب و پیچیده را افزایش می‌دهد، زیرا ممکن است توسعه‌دهندهٔ اصلی نخواهد مجانی مجوز استفاده از داده‌هایش را به دیگران بدهد، به‌ویژه شرکت‌های برنامه‌نویسی که ممکن است، بعداً رقیب ایشان تلقی شود (Lemley & O'Brien, 1997, p.291). پس، حمایت گسترده از رابطها می‌تواند مانعی در برابر توسعهٔ فناوری و انتقال حق فکری به سایر افراد جامعه، یعنی انتشار عمومی آن باشد. در نتیجه، ممنوعیت ایجاد سازگاری می‌تواند مانع از گردش محتوای دیجیتال شود. همچنین، محدودیت‌های غیرمنصفانه، امکان دارد فرصت دسترسی کاربر و استفادهٔ شخصی از آثاری را که به‌طور قانونی به دست آورده است، از او بگیرد (Mazziotti, 2008, p.189). با توجه به اینکه عموماً کاربران برنامه، در فرض خطا، حق اصلاح و تغییر آن را دارند تا بتوانند آن را با سخت‌افزار یا برنامه‌های دیگر سازگار کنند، این حق ایشان، محدود خواهد شد.

به‌طور کلی، حمایت مطلق می‌تواند مانع توسعهٔ بازار نرم‌افزارهای قابل استفادهٔ مجدد شود. بدین صورت که نظام حق نشر با اعطای انحصار آثار اشتقاقی به پدیدآورندگان برنامه‌های اصلی، امکان نظارت کامل بر ایجاد سازگاری را می‌دهد (Lemley & O'Brien, 1997, p.293). این امر، موجب محدود شدن ایجاد سازگاری و کاهش انگیزهٔ توسعه‌دهندگان برنامه‌های اصلی خواهد شد و صرفاً اشخاص دارای حق نشر می‌توانند اقدام به ایجاد سازگاری کنند.

در یک تقسیم‌بندی، می‌توان برنامه را به نرم‌افزار اختصاصی^۱ و متن‌باز^۲ تقسیم کرد. حال ممکن

1. Proprietary software / closed source software

2. Open Source Software ° FOSS (free open source software) ° FLOSS (free/libre/open-source software)

است این مسئله مطرح شود که آیا سازگاری مختص برنامه‌های اختصاصی است یا قواعد آن بر برنامه‌های متن‌باز یا منبع‌باز نیز حاکم است.

برنامه متن‌باز از جمله فرآورده‌های فکری است که طرفداران آن به حمایت مالکیت فکری از نرم‌افزار یا دست‌کم استفاده اقتصادی از آن اعتقاد ندارند و در نتیجه، اصولاً مباحث مربوط به سازگاری در زمینه ایشان مطرح نمی‌شود، حتی طرفداران به دنبال ترغیب افراد برای تکمیل برنامه و تولیدات سازگار با آن هستند. اما از آنجا که ممکن است از زحمات تولیدکنندگان اولیه برنامه سوءاستفاده شود، مؤسسات مربوطه قواعدی را در قالب قرارداد بین تولیدکننده نخست و کاربرانی که به تکمیل یا اصلاح آن تمایل دارند، تدوین کرده‌اند که حاوی اصولی برای پیشگیری از سوءاستفاده است و استفاده از نرم‌افزار متن‌باز به معنای پذیرش شرط‌های یادشده است. در یکی از این قراردادها، به‌کارگیری نرم‌افزار متن‌باز چهار اصل اساسی دارد، که بر اساس آن افراد می‌توانند نرم‌افزار رایگانی را در اختیار دیگران قرار دهند.^۱ به نظر می‌رسد با رعایت این شروط ممنوعیتی برای تولید سازگار با نرم‌افزار متن‌باز وجود ندارد و حتی از اصل چهارم برمی‌آید که اقدام یادشده مشروع است.

نحوه حمایت

حمایت‌های مربوط به سازگاری را می‌توان در دو فرض جای داد:

الف) حمایت از حق برنامه‌ای که پیش از این، خود را با برنامه مشهور دیگر سازگار کرده است و برنامه جدید در پی تقلید از این سازگاری است. حمایت از حق موجود در این برنامه فاقد ایراد

1. Nobody should be restricted by the software they use. There are four freedoms that every user should have:

- a) The freedom to use the software for any purpose,
- b) The freedom to change the software to suit your needs,
- c) The freedom to share the software with your friends and neighbors, and
- d) The freedom to share the changes you make.

When a program offers users all of these freedoms, we call it free software.

است؛ برای توضیح بیشتر، اگر آن را برابر با اثر اقتباسی تلقی کنیم، در این زمینه، هرگاه آنچه که به عاریت گرفته، صرفاً ایده‌های اثر پیشین باشد، اثر جدید از اصالت مطلق برخوردار است (زرکلام، ۱۳۹۳، ص ۴۸-۴۹)، مگر آنچه موضوع نسخه‌برداری قرار گرفته است، بیان نرم‌افزاری اصلی باشد نه ایده آن.

ب) حمایت از حق ناشی از برنامه اصلی، در فرض سازگار کردن برنامه جدید با آن. در اینجا، که موضوع بحث ما بود، استقلال دارنده حق بن بست ایجاد می‌کند. زیرا پدیدآورنده می‌تواند مجوز بهره‌برداری از مالکیت فکری ندهد، یا شروط غیر قابل پذیرشی را مطرح کند (Välímäki, 2015, p.8). با محدود شدن دامنه حمایت به واسطه ممانعت‌های ناشی از حقوق انحصاری در زمینه ایده‌ها و قواعد پشتیبان برنامه رایانه‌ای، رقابت در صنعت نرم‌افزار، امکان‌پذیر خواهد بود و دسترسی به عناصر ارتباط‌دهنده برنامه و واسط‌ها، زمینه را برای تعدد و کثرت شرکت‌های نرم‌افزاری و تنوع محصولات فراهم می‌کند (Myly, 2010, pp.14-15). توضیح اینکه، سوءاستفاده از وضعیت مسلط ممنوع است. برای نمونه، در یکی از این دعاوی^۱ بنا به نظر دیوان اروپایی، شرکت مایکروسافت به دلیل سوءاستفاده از وضعیت مسلط خود مجبور شد اطلاعات سازگاری خود را در دسترس رقبایش قرار دهد، زیرا طبق ماده ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا سال ۲۰۱۰، سوءاستفاده از وضعیت مسلط ممنوع است.

براساس نظر دادگاه در پرونده یادشده، ممنوعیت شرکت در صدور مجوز راجع به اطلاعات سازگاری، در این موارد سوءاستفاده از وضعیت مسلط تلقی می‌شود: ۱. اطلاعات برای انجام دادن عملی در بازار مجاور یا مرتبط ضروری باشد؛ ۲. ممنوعیت قادر به از بین بردن رقابت مؤثر باشد؛ ۳. از معرفی محصولی جدید که مشتری بالقوه خواستار آن است، به بازار جلوگیری کند؛ ۴. مگر اینکه ممنوعیت توجیه هدف‌دار داشته و صرفاً ناشی از وجود حقوق مالکیت فکری در چنین اطلاعاتی نباشد (Pereira, 2011, p.177). در هر حال، شرکت مایکروسافت در دفاع از اقدام خود

1. Microsoft Corp v. Commission (2007)

به حقوق فکری خویش استناد کرد، ولی دادگاه استناد به حقوق فکری را موجه ندانست. همچنین، دادگاه استدلال مایکروسافت را مبنی بر اینکه اعطای مجوز، تأثیر منفی بر انگیزه نوآوری خواهد داشت، رد کرد (Graef & Valcke, 2014, p.8). نتیجه اینکه امروزه مفهومی به نام استانداردهای باز^۱ وجود دارد که هر کسی ممکن است حق فکری بر این استانداردها داشته باشد، اما اطلاعات سازگاری باید برای علاقه‌مندان توسعه محصولات جدید واجد استاندارد، فراهم باشد (Välimäki, 2015, p.5).

در حقوق ایران، حکم ماده ۵ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای که بیان می‌کند «پدیدآوردن نرم‌افزارهای مکمل و سازگار با دیگر نرم‌افزارها با رعایت حقوق مادی نرم‌افزارهای اولیه مجاز است»، ابهام دارد، زیرا براساس احکام کلی حقوق، هر کسی، اعم از پدیدآورنده برنامه مکمل و سازگار یا دیگران، باید حقوق مادی نرم‌افزارهای اولیه را رعایت کنند و این حکم از مواد ۱ و ۲، و سایر موارد مربوطه قانون حاضر برمی‌آید که همه ملزم به «رعایت» مفاد ماده ۵ در برابر همه پدیدآورندگان است، چه تولید سازگار و مکملی وجود داشته باشد، یا خیر.

وقتی که نرم‌افزار سازگار و مکملی در میان باشد، آنگاه پدیدآورنده این برنامه، علاوه بر رعایت حقوق برنامه نخست که تکلیف کلی اوست، تکالیف دیگری را بر عهده دارد. مسئله اصلی ما این تکالیف است. به عبارت دیگر، مسئله اساسی، کسب اذن از دارنده حق برنامه نخست است و این ماده حکم ضرورت اذن را مشخص نمی‌کند. پس، حقوق خاصه صاحب حق برنامه نخست، در فرضی که دیگران برنامه مکمل یا سازگار با آن به وجود می‌آورند، مهم است، نه حق عمومی همه پدیدآورندگان برنامه، جدای از اینکه برنامه سازگار با تولیدات ایشان تولید شده باشد یا خیر. به نظر نویسنده، قانون‌گذار این حقوق خاصه را اراده نکرده، یا زبان وی گویا نبوده است. اجازه نیز از جمله این حقوق است که در ماده بیان نشده است. بنابراین، سکوت قانون‌گذار به نبود حکم

تعبیر می‌شود و این، به معنای اعمال اصل برائت و نبود تکلیف برای مکلفین برای کسب اجازه یا اعمالی مثل درج نام پدیدآورنده اولیه در محصول خود است. البته، شاید بتوان گفت وجود حکم یادشده به معنای نظر خاص قانون‌گذار بر حقوق دارنده برنامه نخست در اعطای اجازه است و سیاق ماده نیز حامی این مقرر است، ولی این تفسیر نه با ظاهر کلام سازگار است، که از لفظ «رعایت» موجود در ماده، بیشتر اقدامات سلبی نقض‌کننده متصور می‌شود، و نه با سایر اصول عملیه، مثل اصل تسلیط در برنامه خریداری‌شده و اباحت تصرف در برنامه و برائت از تکلیف کسب اجازه یا درج نام پدیدآورنده اولیه یا پرداخت وجه به او، مطبق است. بنابراین، اصطلاحات سازگار و مکمل را باید به یاری ماده ۱۲ آیین‌نامه قانون یادشده تفسیر کرد.

طبق ماده ۱۲ آیین‌نامه مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزار رایانه‌ای، «استفاده از نرم‌افزارهای دیگر برای ایجاد نرم‌افزارهای سازگار و مکمل که قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها یا کاربری جدید ایجاد کند، بلامانع است و نقض حقوق پدیدآورنده نرم‌افزارهای دیگر محسوب نمی‌شود...». همان‌طور که می‌بینیم، از بخش نخست ماده چنین برمی‌آید که تولید سازگار ایراد ندارد و می‌توان با دستیابی به کدها و دستورالعمل‌های نرم‌افزار اولیه، برنامه سازگار و مکمل ایجاد کرد. منتها با مطالعه بخش دوم ماده، با اضافه شدن به ابهام حکم، می‌بینیم که این اقدام مشروع به فروضی محدود است که نرم‌افزار برای نخستین بار در ایران تولید و توزیع نشده باشد: «... مشروط بر اینکه پدیدآورنده نرم‌افزار سازگار و مکمل رضایت کتبی پدیدآورندگان نرم‌افزارهایی که برای نخستین بار در ایران تولید و توزیع شده است، را گرفته باشد».

همان‌طور که می‌بینیم، در بخش دوم ماده، قانون‌گذار همچنان دغدغه حمایت از پدیدآورندگان ایرانی را دارد و سعی او بر آن است که پدیدآورنده ایرانی محتاج رضایت پدیدآورنده نرم‌افزار خارجی نباشد. منتها، ابهام حکم از آنجاست که از یک سو، با توجه به حکم مقرر در بند نخست که با لحن همراه با تجویز و مشروعیت اقدام، به شرط رعایت حق، بیان شده است، چرا شرط دریافت رضایت کتبی مقرر شده است؟ آیا نیاز به دریافت مجوز کتبی، به معنای نقض حق در فرض دریافت نکردن مجوز نیست؟ پس، آیا تولید سازگار، به معنای کلی، به معنای نقض حق است؟ همچنین، توزیع و تولید برای اولین بار در ایران، به چه معناست؟ شرایط دریافت رضایت چیست؟

و در صورت عدم رضایت، چه احکامی بر مسئله متصور است؟ و از سوی دیگر، با توجه به مفاد کنوانسیون پاریس راجع به مالکیت صنعتی که حمایت از محصولات فکری اتباع و حتی مقیمان کشورهای عضو را برای اعضا مقرر کرده است و با توجه به اینکه بخشی از نرم‌افزارهای رایانه‌ای در قالب اختراع ثبت می‌شود، و ماده ۶۲ قانون ثبت اختراعات سال ۱۳۸۶، اصل تقدم کنوانسیون را بر حقوق داخلی مقرر کرده است، چه تکلیفی در تفسیر قانون بر عهده ماست؟ این ابهام همچنان در حقوق ایران، برخلاف نظام‌های حقوقی دیگر که عضو کنوانسیون برن و به‌ویژه موافقت‌نامه تریپس هستند، باقی است، به‌ویژه اینکه از نظر عملی، کسب رضایت کتبی هم دشواری‌های بسیار دارد. پس، چاره‌ای نیست که به صورت مبنایی‌تر مسئله را پی بگیریم.

به نظر می‌رسد قدرت دارنده حق باید از طریق وسایل جایگزین متوازن شود، وسایلی مثل حقوق رقابت، استانداردسازی صنعت و خط‌مشی‌های فروش دولتی (برای حمایت از مصرف‌کننده) که از جمله وسایل رفع مشکل است (Välimäki, 2015, p.9). اگر بخواهیم به‌طور مطلق از رابط‌های کاربری برنامه رایانه‌ای حمایت کنیم، ممکن است شرایطی به‌وجود آید که مد نظر بند ۱۲ ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی^۱ بوده و سبب انحصار شود و به تولیدکننده اولیه وضعیت اقتصادی مسلط (بند ۱۵ ماده یادشده) اعطا کند. بنابراین، برای تقویت رقابت در بازار مالکیت فکری و اجرای قواعد مقرر در فصل نهم قانون یادشده، باید ایجاد محصولات سازگار در عالم نرم‌افزار را مجاز دانست و حمایت از رابط‌ها را از حمایت پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مستثنا کرد. مگر اینکه بحث از حمایت از اسناد و توصیفات رابط باشد، که پیش از این حکم آن را بیان کردیم. با این حال، باید در نظر داشت که قواعد حقوق رقابت به‌تنهایی نمی‌تواند حق پدیدآورنده

۱. ماده ۱ بند ۱۲: «انحصار: وضعیتی در بازار که در آن تعدادی تولیدکننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید و یا فروش کالا یا خدمت فعالیت می‌کنند، به‌طوری که هیچ‌یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان قدرت تعیین قیمت را در بازار نداشته باشند، یا برای ورود بنگاه‌ها به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود نداشته باشد».

اولیه را محدود کند و برای تولیدکننده برنامه سازگار حق ایجاد کند. قواعد رقابت فقط به عنوان اصل کلی سوء استفاده نظام‌مند، پدیدآورندگان نخست را از حق قانونی مقرر در ماده ۱۲ آیین‌نامه قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای محدود می‌کند و ایشان را از استناد به حق مطلق خود بازمی‌دارد. در واقع، تکلیف کسب مجوز کتبی همچنان برای تولیدکننده برنامه سازگار وجود دارد، منتها حقوق رقابت تولیدکنندگان اولیه را از سوءاستفاده از این حق بازمی‌دارد. از جمله اینکه نمی‌توانند از ارائه رضایت کتبی خودداری کرده یا درخواست وجوه نامتعارف کنند.

آثار حمایت

باید در نظر داشت حکم مباح ایجاد برنامه رایانه‌ای سازگار، مطلق نیست و حدود و قیودی دارد. این حدود که معمولاً همان شرایط مقرر در قانون برای همه اشخاص جامعه و شهروندان درباره برنامه رایانه‌ای است، درباره پدیدآورنده برنامه سازگار اهمیت و معنایی خاص می‌یابد، از جمله اینکه وی نمی‌تواند در این مسیر اعمالی را انجام دهد که سبب آسیب به حقوق معنوی پدیدآورنده نخست شود. مثلاً با برنامه سازگار خود نمی‌تواند هدف کاربردی برنامه نخست را تغییر دهد یا سبب ناکارآمدی آن شود. این مسئله که در این زمینه اهمیت زیادی دارد، از نگاه نویسندگان لایحه جامع حمایت از مالکیت ادبی هنری و حقوق مرتبط پنهان نمانده است، همان‌طور که در ماده ۷۷ لایحه یادشده^۱ به این حق تصریح شده است.

به منظور اعمال حق ناشی از کاربری برنامه رایانه‌ای، تولیدکننده برنامه سازگار می‌تواند براساس اصول کلی قاعده تسلیط، به مهندسی معکوس برنامه‌ای دست بزند که به‌طور مشروع کسب کرده است. در این زمینه، طبق بند ۱ قسمت «f» ماده ۱۲۰۱ قانون حق نشر هزاره دیجیتال آمریکا: «شخصی که به‌طور قانونی حق استفاده نسخه‌ای از برنامه رایانه‌ای را به‌دست آورده، ممکن است

۱. حقوق مادی و معنوی نرم‌افزار یا برنامه رایانه‌ای جدید که بر مبنای نرم‌افزار یا برنامه رایانه‌ای دیگر پدید آید، بدون اینکه خدشهای به حقوق دارنده اثر اصلی وارد کند، متعلق به پدیدآورنده اثر جدید است.

ابزار فنی را که به طور مؤثر دسترسی به بخش‌های خاصی از آن برنامه را کنترل می‌کند، دور بزند؛ عمل او صرفاً تا حدی نقض قوانین محسوب نمی‌شود که با هدف شناسایی و تجزیه و تحلیل آن دسته از عناصر برنامه باشد که برای سازگاری برنامه رایانه‌ای که به طور مستقل ایجاد شده با دیگر برنامه‌ها ضروری باشد و آن قبلاً برای شخص اعمال‌کننده به راحتی در دسترس نبوده باشد. همچنین، ماده ۷۴ لایحه حمایت از مالکیت فکری بیان کرده است: «مهندسی معکوس برنامه رایانه‌ای یا هر گونه تجزیه بخش‌هایی از آن، یا ترجمه آن به منظور کشف اطلاعات فنی درون برنامه جهت ایجاد برنامه رایانه‌ای سازگار بدون کسب اجازه از دارنده برنامه، مشروط بر آنکه به منافع مشروع دارنده حق ضرر و زیان غیرقابل جبرانی وارد نکند و به بهره‌برداری از برنامه آسیب نرساند، مجاز است».

به علاوه، براساس بند ۲ ماده ۶ رهنمود اروپایی سال ۲۰۰۹، به دست آوردن اطلاعات سازگاری از طریق دی‌کامپایل یا تجزیه نمی‌تواند با هدف اعمال مواردی به کار گرفته شود که عبارت‌اند از الف) با اهدافی جدا از دستیابی به اطلاعات سازگاری برای ایجاد نرم‌افزار رایانه‌ای مستقل، به کار گرفته شود؛ ب) استفاده با هدف دادن اطلاعات سازگاری به دیگران، مگر در مواردی که برای ایجاد نرم‌افزار رایانه‌ای مستقل ضروری باشد؛ ج) به منظور توسعه، تولید و بازاریابی نرم‌افزار رایانه‌ای به کار گرفته شود که به طور قابل ملاحظه‌ای در بیان مشابه با نرم‌افزار اصلی است، یا هرگونه اقدامی که نقض حق نشر تلقی شود.

در بند ۳ ماده ۶ رهنمود اروپایی بیان شده است با توجه به کنوانسیون برن درباره حمایت از آثار ادبی و هنری، مفاد این ماده نمی‌تواند به شیوه نامعقولی تفسیر شود که به منافع مشروع دارندگان حق لطمه وارد کند یا با بهره‌برداری عادی از نرم‌افزار رایانه‌ای در تعارض باشد.

نتیجه

سازگاری برنامه‌های رایانه‌ای اثر حقوقی بسیاری هم در سطح حقوق خصوصی افراد و هم حقوق عمومی جامعه دارد. به عبارت دیگر، حمایت مطلق از رابط‌های برنامه و عدم تجویز تولید سازگار، ممکن است موجب نابودی خلاقیت در جامعه شود. از این گذشته، هرگاه تولید سازگار را منوط

به تجویز پدیدآورنده برنامه نخست بدانیم و تجویز او را بی‌قید و شرط، حاکم بر سرنوشت برنامه سازگار بدانیم، امکان ایجاد انحصار و سوءاستفاده از حق وجود دارد.

بر این اساس، در مرحله نخست، پیشنهاد می‌کنیم اشخاص بتوانند حق تولید سازگار با سایر برنامه‌های رایانه‌ای داشته باشند و این از طریق عدم حمایت از رابط‌های نرم‌افزاری، ممکن خواهد شد. با این حال، حکم یادشده، لزوماً به معنای حمایت نکردن از سازگاری و محصولات رایانه‌ای شخص دوم نیست، ممکن است از حقوق کسی که تولیدات سازگاری را ایجاد کرده است، حمایت کرد، نه فقط از محصولات فکری او که از شیوه سازگاری خلاقانه فرد^۱ و این امر مخالف حقوق جامعه نیست. پس، چیزی که ناصواب و مخالف مصالح جامعه و ناهمگام با کلیت نظام حقوقی است، حمایت مطلق از محصول فکری رایانه‌ای اولیه به شیوه‌ای است که مانع تولیدات سازگار دیگران با این اثر شود.

در مراجعه به قوانین ایران، راجع به این مسئله با ابهام قانونی روبه‌رو می‌شویم، از سویی، در متن قانون فقط به «رعایت» حقوق تولیدکننده نخست توصیه شده است و از سوی دیگر، در آیین‌نامه اجرای قانون حمایت از پدیدآورندگان برنامه رایانه‌ای، با نیاز به کسب اجازه کتبی از تولیدکننده برنامه اولیه ایرانی مواجهیم که ضمن فقدان ضمانت اجرا، ابهام راجع به نرم‌افزار خارجی دارد. با توجه به این دشواری، می‌توان با یاری منطق حقوق و مصالح جامعه، به اصول کلی حقوقی کشور در زمینه رقابت روی آورد و همگام با رویکرد جهانی، حکم داد که تولیدکننده سازگار نیازمند کسب اجازه برای مهندسی معکوس رایانه‌ای برای تولید سازگار نیست و کسب اجازه مقرر در آیین‌نامه یادشده برای پیشگیری از آثار زیان‌بار تولید سازگار است و در واقع، شرط حمایت از حقوق فکری تولیدکننده نخست نیست، و گرنه ممکن است سبب انحصار شود و آثار ناروایی بر اقتصاد مالکیت فکری کشور خواهد گذاشت. قوانین مربوط به رقابت نیز مؤید این

۱. حمایت از شیوه خلاقانه تحصیل سازگاری ممکن است به دلیل شمول در قلمرو ایده مورد حمایت نظام مالکیت فکری نباشد.

تحلیل است. بنابراین، براساس ماده ۱۲ آیین‌نامه قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و اصول حقوق رقابت کشور، تکلیف کسب مجوز کتبی همچنان برای تولیدکننده برنامه سازگار وجود دارد، منتها حقوق رقابت تولیدکنندگان اولیه را از سوءاستفاده از این حق بازمی‌دارد، از جمله نمی‌توانند از ارائه رضایت کتبی خودداری کرده یا درخواست وجوه نامتعارف کنند. این نگاه همگام با رویکردهای موجود جهانی، از جمله در رهنمود اروپایی و برخی آرای محاکم آمریکایی است. منتها، تولیدکننده برنامه جدید حق سوءاستفاده از این اختیار را ندارد، به‌ویژه او از این اختیار خود نمی‌تواند خلاف حقوق معنوی پدیدآورنده برنامه نخست اقدام کند.



منابع و مأخذ

۱. زرکلام، ستار (۱۳۹۳). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. چاپ سوم، تهران: نشر سمت.
۲. صادقی نشاط، امیر (۱۳۸۹). *حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۳. قاجار قیونلو، سیامک (۱۳۹۱). *مقدمه حقوق سایبر*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۴. قبولی درافشان، سید محمد مهدی، دانش‌یاری و ساعتچی، علی (۱۳۹۲). *مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری از حقوق اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و آمریکا*. *دانشنامه حقوق اقتصادی*، شماره ۴، صفحات ۱۳۳-۱۰۴.
5. Bainbridge, D. (2004). *Introduction to Computer Law*. Fifth ed., Pearson Education Limited.
6. Closa, D., Gardiner, A., Giemsa, F. & Machek, J. (2010). *Patent law for computer Scientist*. Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
7. Davison, M.J. (2003). *The legal protection of databases*. Cambridge: Cambridge University Press.
8. Graef, I. & Valcke, P. (2014). Exploring new ways to ensure interoperability under the Digital Agenda. *Info - The Journal of Policy, Regulation and Strategy for Telecommunications, Information and Media*, 16(1), 7-16.
9. Graef, I. (2014). How can Software Interoperability be achieved under European Competition Law and Related Regimes?. *Journal of European Competition Law & Practice*, 5(1), 6-19.
10. Lamley, M. & O'Brien, D.W. (1997). Encouraging software reuse. *Stanford Law Review*, 49(2), 255-304.
11. Lloyd, I.J. (2011). *Information technology law*. 6th ed., Oxford University Press.
12. Microsoft Computer Dictionary (2002). 5th Edition, Microsoft Press.
13. Mizziotti, G. (2008). *EU digital copyright law and the end-user*. Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
14. Mylly, U.M. (2010). Harmonizing copyright rules for computer program interface protection. *University of Louisville Louis Law Review*, 48(4), 1-34.
15. Official Journal of the European Union (2010). Directive 2009/24/EC of the European Parliament and of the Council of 23 April 2009 on the legal protection of computer programs.
16. Pereira, A.L.D. (2011). Software interoperability, intellectual property and competition

- law: Compulsory licenses for abuse of market dominance. *Computer Law & Security Review*, 27, 175-179.
17. Rowland, D. & Macdonald, E. (2000). *Information technology law*. London: Cavendish Publishing Limited.
18. Välimäki, M. (Visited at: 7.7.2015). *Software Interoperability and Intellectual Property Policy in Europe*. See at: www.valimaki.com/org/interoperability_ipr.pdf, pp.1-9.
19. Van Rooijen, A. (2010). *The software interface between copyright and competition law: a legal analysis of interoperability in computer programs*. Kluwer Law International.

